

# بخت آید

ارسمان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

## یهودیان نمیتوانند در مقابل

### خطر جنگ سکوت نمایند

جنگهای بین المللی اول و دوم برای بوجود آمدن کارخانه داران بزرگ و صنایع عظیم میخواستند در تقسیم برات و بازارهای فروش تجدیدنظری آورند.

صنایع کشورهای مختلف بطور زور و شدت ترقی پیدا کرده بود. این ترقی که تولید بیشتری پیدا کرده بود همش فروش محصولات خود احتیاج به برات تازه داشت و چون مستمرا برات قبلی بین ممالک بزرگ تقسیم گشته بود نظر تجدید تقسیم آن جنگ بموانع وسیله مایه برفت، اما کسانی که بار جنگ را بدردش میکشیدند، کشته میشدند، خانه و بیابانهای خود را از دست میدادند؛ طامعانه در دل توپخانه و بمب واقع میشدند مردم بر خشکی بودند که کوچکترین نفی از ارجحی باشکست در جنگ هایدشان نمی شد.

اینکه مردم را وادار بچنگ و کشتار بزرگ نمایند، احساسات میهن پرستی و ایام را تحریک مینمودند و بنام دفاع از مردم کشورهایار باجانب یکدیگر بکامین اخذند. دفاع از وطن تنها وقتی مفهوم میکند که واقعا مردم در سرزمینی که نت دارند از خانه و مسکن، فرهنگ داشت و زندگی مرفه بهره مند گردند، بر سر نوشت خویش حاکم باشد، مت مردم بر مردم مستقر باشد، در...

اینصورت دفاع از وطن در مقابل تجاوز معنی و مفهوم دارد؛ چنین کشوری هرگز طرفدار جنگ نیست، مستعمره نمی خواهد، تجاوز نمی کند، تنها کشورهای که طبقات ظالم و مظلوم، غارتگر و غارت شده در آن وجود دارد کشورهای که سیاست و اقتصاد آن بسود صاحبان صنایع بزرگ میگردد نتیجه زحمت اکثریت مردم بصورت سود و سرمایه نزد عده قلیلی که گرداننده امور مملکت میباشد متمرکز میشود گردانندگان امور و فرمانروایان چنین کشورهای برای جلب منافع خود، برای بقیه در صفحه ۴

## کوشش در راه اصلاح مدارس یکی از وظائف اساسی

### جمعیت ماسبت

مدارس جایگاه تعلیم و نشو و نما روحی جوانان ما بشمار میروند اساس تربیت علمی و اجتماعی جوانان ما در مدارس گذاشته میشود.

بقیه در صفحه ۳

## انجمن کلیه میان با تر کیب کنونیش نمیتواند مفید بحال اجتماع باشد

میهن خود با عوامل فساد و محرومیت های مشترکی که دارند مبارزه می کنند. اگر چه مقدار نسبتا زیادی از این محرومیت ها مشترکا بین همه هم میهنان ما عم از هر مذهب و مسلکی که داشته باشند وجود دارد ولی نمیتوان انکار کرد که قسمتی از این مایب و محرومیتها نیز صرف نظر از محرومیت های مشترکی که با سایر هم میهنان خود داریم منحصرأ اختصاص بجامعه یهود دارد.

با توجه باین اصل بسیار مهم که عامل اصلی و واقعی فساد جامعه ما شرایط اقتصادی موجود میباشد که رفع آن بجز با بقیه در صفحه ۲



مردم «ارسل اسرائیل» برای حفظ موجودیت کشور خود در راه صلح فعالانه میکوشند (نقل از یکی از روزنامه های ارسل اسرائیل)

## استقبال بی نظیر مردم در روز «کیپور» از جمعیت

### مانشاه صحت و درستی روش مایب باشد

جمعیتی که برای مردم و رفع مشکلات و بدبختیهای جامعه بوجد آمده باشد همیشه سعی دارد که با مردم تماس بیشتر گرفته و افکار و هدف خود را با آنان عرضه داشته و برای پیشرفت مقاصد خود کمک بخواهد.

بهین لحاظ در روز «کیپور» که کلیه اسرائیلی های تهران برای انجام مراسم مذهبی در کلیساها مجتمع بودند جمعیت ما تصمیم گرفت که برای شناساندن روش و هدف جمعیت کنفرانسهایی در کلیساها ترتیب دهد.

آنچه که بیشتر در این سخنرانیها جالب توجه بود استقبال بی نظیری بود که عموم مردم از جمعیت ما بعمل آوردند.

همه جا مردم بدقت سخنان ناطق جمعیت گوش فراداده و همه جا روش و هدف مترقی ما مورد استقبال و تحسین عموم قرار میگرفت.

این استقبال بی نظیر بهترین مشوق و بزرگترین نشانه آن بود که روش ما صحیح و اساسی و بر طبق احتیاجات مردم و مقتضیات وقت است و بتواند میدهد که چنانچه این روش را دنبال کنیم و همه جا بامردم و برای رفع بدبختیهای فعلی کار کنیم موفقیت ماحتی خواهد بود.

مردم بیان دردهای خود علاقمندند و هر جمعیتی که سخنی از دردهایشان گوید و از نا گواریه و نااملائیات زندگی شان یادآوری نماید بآن متوجه میگرددند - سخنانش گوش فرا میدارند و منتظرند که از آن گروه عمل و فعالیت مشاهده نمایند و کوشش در رفع بد بختیهای اجتماع از آن بیینند.

تا کون جمعیت های و انجمن های فراوانی آمده اند همه از درد ملت سخن گفته اند بقیه در صفحه ۴

## دنباله مباحثه اوستا

### سلامونی بار فیتش

آدم خیلی دلش میخواد سرقولش وایسه، اما خدا میدونه گرفتاری ما مردم عیالیار او تقدزیده که نپرسا که یاد تون باشه، من بر فیتش قول داده بودم بر سر وقتش گفتگو اون هفته را دنبال کنیم.

خلاصه ما نشد بریم، اون سراغ ما اومد، خدا باباشویا امروزه که مار زیر خجالت فراموشی نگذاشت.

آقای که شا باشید سر درد دلا و اشد زیاد گفتیم و زیاد شنیدیم رفیقون سخت و سوز و ایساده بود که مرغه به پا داده.

«سیاست بانویومه» ما با ما س پی به لقمه نون باشیم و شکم بر بیچارهانیه سیر کنیم و دلیل آقا رفیقون این بود: «هر که را بهر کاری ساختن» تویه نفر سلونی دوره کردی اصلاح دخالت به کارای بزرگون سیاستمدار را ندازی و خودتم بی خودی به درد سر میندازی. مثل فلونی که جوشنو سر سیاست به درد داد، از این حرف زیاد گفت. آقای مدیر بچون شا، این طور صورت حق بچاناب بخودش گرفته بود که بیاتناشا کن.

اما باباجون ما این موها مونو تو اسباب سفید نکردیم، با این حرفا از میدون در نیریم گفت:

عزیز جون پیاده شو تا با هم بریم تویه کردو که میخوای بخوری اول میشکنی بعد پوشالو در میساری، اکه کردوی تازه باشه بوس ناز کشم میگیری اون بقیه در صفحه ۳

## ارزش زن در اجتماع

### آقای مدیر روزنامه «بنی آدم»

از آنجاییکه در تمام شماره های آن روزنامه یکی دو مقاله خود را اختصاص بعالم زنان داده اید و کوشش نموده اید که ارزش واقعی ما زنان را شرح دهید و از حقوق واقعی ما، از حقوقیکه این اجتماع عقب مانده برای ما دوشیزگان و زنان قائل نیست - دفاع نموده اید نویسنده وظیفه خود دانستم در این امر مهم و حیاتی شرکت کنم. طی مقالاتی محرومیت زنان و دختران اسرائیل را بشکارم و توجه همگان را نسبت بحقوق حقه خود جلب نمایم.

هرچه زمان جلو میرود و فکر اجتماعی تقویت پیدا میکند و افکار روشتر میگردد

بهمان نسبت زن ب مفهوم حقیقی ارزش خود را پیدا کرده کار و مبارزه مثبت او نمودار پیدا میکند این حقیقت روز بروز دامنه اش وسیعتر شده بطوریکه امروزه در کشورهای مترقی زن ها حساسترین پست کشوری را در دست دادند و در تمام شئون اجتماعی اهم از اقتصادی، سیاسی، هنری و فرهنگی دارای حقوق مساوی با مرد میباشند زن و مرد هر دو در یک قطعه کام میکذارند یکی بردیگری برتری و امتیاز ندارد و برای اینکه زن بتواند بطور مسلم از این قانون استفاده کند در ممالک مترقی مقررات و تسهیلات فراوانی قائل شده اند. امروز بسیاری از ممالک متوجه این حقیقت شده اند که زنان میتوانند و باید در سرنوشت خود دخالت کنند و هر قدر جامعه ترقی کند بر اهمیت این موضوع افزوده میشود - زن حس میکند که وظیفه بزرگی بر عهد دارد و کوشش بقیه در صفحه ۳

## انتخابات

مسئله ایکه هر دو سال یکبار ملت ایران با آن روبرو میشود و پس از چهل سال هنوز بسود و مصلحت او حل نشده است مسئله انتخابات مجلس شورای است.

ملت ایران با وجود فداکاری ها و شهادت های تاریخی، بدو علت اساسی نتوانسته انتخابات بحق خود را بیل آید و با درد داشتن سرنوشت خود از نمره جانبازیهایش بهره مند شود.

اول بملت ناقص و ناصحیح بودن قانون انتخابات. دوم بواسطه تشبثات مال نفوذ های ناروای افراد و دستگاہهای معینی برای عدم اجرای صحیح همین قانون ناقص و غلط میباشد. بشهادت تاریخ شانزده دوره مجلس مقننین جز در یک دوره نمونه ای از نمایندگان واقعی ملت ایران در مجلس شورای ملی مشاهده است اگر اعیان در اثر مجاهدتهای افراد ملت چند نفر به هم از بین مردم نمانندگی وارد مجلس شدند و خواستند از حقوق ملت ایران دفاع کنند یا لم و حق کشیهای صاحبان قدرت و مال، اعتراض نمایند مورد اهانتها و اتهامات گرفتند و عاقبت یادر دوره نمایندگی یا پس از پایان آن از میان برداشته شدند.

م دوران مجلس شورای ملی اگر بدقت بشرح احوال اکثر نمایندگان توجه شود میشود که ازین آنها کسی نماینده و مدافع این مردم زنده بوش با برهنه و غارت شده و سرگردان نبوده است.

بقیه در صفحه ۲



# ارزش زن در اجتماع

بقیه از صفحه ۱

ولی فعالیت زنان در کشورهای مترقی ثابت کرده است که این عقیده باطل است و باید این فکر را از جامعه دور انداخت.

آیازنان در مبارزات اجتماعی باید فقط تماشاچی باشند؟ اگر وضع اجتماع ما اینقدر خراب و رژیم حاکم بر آن غلط نبود اصولاً چنین ستوالی پیش نیامد، مگر زنان اهل این جامعه نیستند؟

مگر مبارزات این اجتماع با سر نوشت آنها مربوط نیست؟ پس کدام منطق اقتضا میکند که آنها دوشادوش مردان نباشند؟ اوضاع کنونی دنیا یعنی زندگی صنعتی مجبور میکند که زنان از خانه بیرون بیایند و زندگی اقتصادی شرکت موثر داشته باشند و وقتی زن از جهت اقتصادی با مرد برابر بدیده است که حقوق اجتماعی آن نیز برابر میگردد، هنوز با سواد شدن و معلومات داشتن مخالف قوانین است و آمدن آنها در اجتماع مخصوصاً اجتماعی که مدافع حقیقی آنها است و آن ها را بدرک حقایق آشنا می سازد محالست زن را بنام وظیفه مادری از اجتماع دور نگاه میدارند تا بوضع طبقاتی خود بی نبرد ولی اگر وارد اجتماع شود وظیفه مادری را خیلی بهتر میتواند انجام دهد زیرا سطح معلومات او ترقی می کند و این در تربیت صحیح فرزند او تاثیر فراوان دارد.

آنهاست که مخالف وارد شدن زن در تمام شئون اجتماعی می باشند بدانند که بی فکری خود را ثابت می کنند خورسندیم که میتوانیم امروز از حقوق خود با پشتیبانی روشنفکران واقعی، دفاع کنیم تا فردا با داشتن مدافعین بیشتری به جامعه و تمدن بشری کمک کرده بمخالفین خود بجهانیم که زن هم می تواند بدون لغزش دوش بدوش مردان کار کند و چون زن و مرد هر دو با هم کار کردند بدون شك اجتماع نویی بوجود خواهد آمد که ضلطن سعادت زن و مرد و فرزند آنها میباشد.

این حق را برایگان بزنان نبدهند باید کوشش کرد و حق خود را گرفت و این زنچیر اسارت را نمی توان با تنها و خواهش گسست بلکه باید مبارزه عیق و بی گیر باید این ننگ را از زنان دور کرد و زندگی را از این قعر و بدبختی نجات داد.

مادخران و زنان اسرائیل باید به راهی خواهران ایرانی خود برای گرفتن این حق و گسستن این زنجیر اسارت مبارزه جدی و کوشش زیاد نماییم تا در این مبارزه کامیاب و پیروز گردیم و این تساوی را علاوه بر قرارداد نماییم.

# کوشش در راه اصلاح مدارس

بقیه از صفحه ۱

بطوریکه میتوان گفت مدارس نقش مهم و موثری در زندگانی آینده جوانان داشته و هر تأثیری که در ضمیر آنان بجا گذارند در اجتماع بظهور رسیده و در روابط عمومی آنان با افراد اجتماع آشکار میگردد

از همین نظر است که اصلاح وضع مدارس و رسیدگی بآموزش و پرورش جوانان جامعه یهودیان یکی از مواد اصلی برنامه جمعیت را تشکیل داده و ما خود را موظف میدانیم که فعالانه در این راه کوشش نماییم تا عناصر مفیدی برای جامعه تربیت شوند همگی بوضع عمومی فرهنگ کشور و موسسات مربوط به آن وقوف کامل داشته و میدانیم که سازمان آموزشی و تربیتی اجتماعی که در آن زیست میکنیم چه وضعی دارد جامعه یهودیان جزئی از اجتماع ایران بوده و هر کیفیتی که در اجتماع ایران در زمینه اقتصاد و فرهنگ و بهداشت و ... وجود داشته باشد همان وضع در جامعه یهودیان نیز جریان داشته و از نظر کلی اختلاف فاحشی با آن ندارد.

بهمین علت هم هست که ما معتقدیم تا مادامیکه یک تغییر اساسی و عمیق در تمام شئون زندگی ملت ایران و منجمله در زمینه فرهنگ بوجود نیاید وضع ناسامان جامعه یهودیان هم هیچگونه تفاوتی نکرده و بهمان حال خود باقی میماند.

ازینرو عقیده داریم که باید یک کوشش همگانی و عمومی صورت گیرد تا همان طوریکه فرهنگ عمومی ملت ایران اصلاح میشود وضعیت فرهنگی جامعه یهودیان نیز تغییر پذیرد.

بنابراین هر گونه بحثی که در باره مدارس و کیفیت فرهنگی جامعه یهودیان گفته شود برای تمام اجتماع ملت ایران عمومیت دارد.

تبل از آنکه راجع بکیفیت مدارس و چگونگی اصلاح آن نظر خود را بیان داریم باید بگوئیم یکی دو مدرسه که در جامعه یهودیان وجود دارد بهیچوجه کفاف کودکان یهودی را نداده و همان هایی هم که با هزار گونه مرارت و بدبختی حاضر میشوند اطفال خود را ب مدرسه بفرستند با هزاران مانع دیگر برخورد کرده تا بالاخره مجبور میشوند نوباوگان خود را تحویل کلاسهای بدهند که هر یک شصت تا هفتاد شاگرد دارد. اولین چیزی که در همان بر خورد اول بمدارس نظر ما را بخود جلب میکند همین تعداد شاگرد ها کلاسها است بدیهی است که معلم در اثر کثرت شاگردان حتی نمیتواند بروحیه محصلین آگاهی حاصل نماید چه رسد بآنکه موفق شود همه را کنترل کرده و راهنماییشان نماید.

بخصوص این کثرت شاگردان در کلاسهای ابتدایی مدارس بخوبی مشاهده میگردد که مانع بزرگی در راه آموزش و پرورش اطفال است در کلاسها در کنار افرادی شریف و شایسته کسانی دیگر هم بامر تعلیم اطفال اشتغال دارند که بهیچوجه صلاحیت آموزشی ندارند و اولیاء مدارس برای اینکه بودجه بیشتری صرف بخصوص این کثرت شاگردان در کلاسهای ابتدایی مدارس بخوبی مشاهده میگردد که مانع بزرگی در راه آموزش و پرورش اطفال است در کلاسها در کنار افرادی شریف و شایسته کسانی دیگر هم بامر تعلیم اطفال اشتغال دارند که بهیچوجه صلاحیت آموزشی ندارند و اولیاء مدارس برای اینکه بودجه بیشتری صرف

استخدام معلم نکنند از اینگونه افراد که چون وصله ناجورین معلمین شریف هستند استفاده میکنند معلمین شریف و دانشمند هم در اثر گرفتاری های زندگی و تامین نبودن وضع معاش و ناراحتی های دیگر حوصله کافی و اعصاب محکم برای تربیت صحیح اطفال ندارند.

البته این انتقاد منطقی مانع از اینست که اینگونه آموزگاران که تخصصی در کار خود ندارند و برای تهیه لقمه نانی باین شغل روی آورده اند ناگوار آید و حمل بر غرض گردد و آنرا دلیل مخالف ما با خود بحساب آورند - آنها خود باید باین موضوع توجه داشته باشند که سرنوشت عده زیادی از کودکان جامعه خیلی ارزنده تر و مهم تر از زندگی خصوصی خود آنهاست و البته تقصیری هم متوجه آنان نیست بملت آنکه اگر در کشور کار وجود داشت هیچگاه سراغ شغلی که در خود آنان نیست نبرفتند.

در مدارس ما بهزادان وسیله سعی میشود که با تحقیر و براه انداختن بساط چوب و چماق و کشتن روح اینکار محصلین شخصیت اطفال را تضعیف نموده آنان را مطیع خود سازند، شاگردان مدارس ما حتی اگر از نظر نسبی هم وضعیتشان را مورد مطالعه قرار دهیم از شاگردان دیگر مدارس بیخوب تر تربیت میشوند.

باید اطفال را طوری تربیت کرد که در اجتماع همیشه مبتکر و باشخصیت باشند نه مقلد و چون باید به تربیتی هست بساط چوب و ضرب اطفال از مدارس برچیده شود باید با اطفال امکان داد که درباره زندگی خود فکر کنند و اجتماع خود را بخوبی بشناسند باید آنانرا عادت داد که آنچه می آموزند با تجربه روزانه زندگی و واقعیت تطبیق نمایند. اعمال زور و فشار بشاگردان جز آنکه آنان را مایوس کرده و از تحصیل دلسردشان سازد نمره دیگری ندارد.

عادت جدایی و فاصله عمیقی که بین معلمان و شاگردان وجود دارد همین بکار بردن روش زور و در نتیجه باین آوردن شخصیت محصلین است، این اصل را دیگر همه پذیرفته اند که با زور و فشار نمیتوان کسی را تعلیم داد و چقدر باعث تاسف است که هنوز در مدارس ما برای مطیع ساختن اطفال روش قرون وسطی را بکار میبرند، در مدارس ما هیچگونه رابطه درستی بین شاگردان و معلمین وجود ندارد بجزای اینکار اولاً باید معلمین خود را از شاگردان جدا نکرده و صمیمانه با آنها کار نمایند تا یک محیط صمیمیت و عشق بکار بوجود آید تا آنها خود شاگردان باید برای حفظ موقعیت خویش کوشش نمایند خوشبختانه یکی دو سالست که در مدارس ما جنب و جوشی ایجاد شده است باید با کوشش هر چه تمامتر این جنبش دنبال شده و بی پایان رسانده شود. برای این منظور باید شاگردان برای خود اجتماعاتی تشکیل دهند و بدینوسیله آگاهی اجتماعی خود را بالا برده، بحیط زیست خود آشنا شوند و آنوقت با معلمین یک رابطه صحیحی برقرار کرده و برای اداره صحیح آموزشگاه خود تلاش نمایند. البته خود معلمین نیز در این زمینه با شاگردان همکاری صمیمانه خواهند داشت

# دنیای صاحبه اوستا

بقیه از صفحه ۱

وقت نوش جون می کنی، درسه داداش جون، خوب ... همه چی همین طوره اول باهاس دورور شوازش بگیر ی خوب خوب لغت و عربیوش بکنی که اون لفافه هاش کیبت نکه تا اونو بتونی بشناسی و درس و حسابی ازش سردریازی.

حالا سیاست یعنی چه، من خیال میکنم که این کلمه را بد جوری باحالی کردن.

از این کلمه که وقتی خوب تو نخش بری خیلی ساده و راس و رسیه یک آقا لولو دزی حسابی برای من و تو ساخته و پرداخته کردن که وقتی اسمش میارن موها مون سیخ میشد.

چرا برای اینکه وقتی اسم سیاست میاد آدم خود بخودی یاد زندون و دوساق خونه، دار و تیربارون و از این چیزا میفته.

اونوقت آدم مجبور میشه که حق بجانب شمایه و بگه «سری که درد نیکنه دسال برای چیه».

بقیه دارد

اغلب سعی شده است که دانش آموزان را طوری تربیت کنند که از همه چیز و از همه جا بی خبر باشند چون آگاهی محصلین را مغل آسایش خود میدانند. این روش ناهنجار باید هر چه زودتر از مدارس ترک گردد و با مجاز شدن کنفرانسها و میدان دادن بفعالیت های مختلف دانش آموزان در بالا بردن شعور اجتماعی و علمی آنان کمک شایسته شود.

نباید راضی شد که جوانان ما هنگامیکه مدارس را رها میکنند افراد بدون ابتکار و جنب و جوش باشند. مسئله مهمی که بخصوص باید در باره مدارس ما ذکر کرد روش اولیاء مدارس باشاگردان بی بضاعت است - اولیاء اطفال هر سال که میخواهند فرزندانشان خود را ب مدرسه بفرستند باید از یک سد بزرگی که شهریه نام دارد عبور نمایند و چون اکثریت جامعه ما افراد محروم تشکیل میدهند لذا از پرداخت حق الثبت زیادی که با آنان تعلق میگیرد عاجزند و برای اینکه بتوانند اطفال خود را مجاناً در مدرسه بگذارند ساعتها با اولیاء امور میباحثه دارند شایسته است متصدیان مدارس از این نظر تسهیلات فراوانی برای فرزندانشان محرومین اجتماع قائل شوند و اینقدر برای تحصیل خانواده ها اشکال تشریفشان البته کارهای دیگری نیز هست که در مدارس باید انجام گیرد که یکایک آنها را نمیتوانیم مشروحاً ذکر کنیم و این بیشتر بعهده خود دانش آموزان است که با تشکیل سازمان صنفی و ایجاد انجمن های مختلف بوضع آموزشی خویش سرو سامانی دهند. ما از کلیه دانش آموزان میخواهیم که با ما ارتباط گرفته و عقاید و خواسته های خویش را با ما در میان نهاده و از هر جهت ما را یاری دهند. همچنین از همه فرهنگ دوستان و بخصوص معلمین شرافتمند مدارس طلب میکنیم که در راه اصلاح موسسات آموزشی جامعه یهودیان با ما تشریک مساعی نموده و با همه توانائی خویش با ما همکاری کنند.

## تسلیمیت

دانش آموزان دبیرستان اتحاد در گذشت جانکد از جهشید ترمه فروش را بخانواده ترمه فروش تسلیمت میگویند.

بنی آدم، مانیز مصیبت وارده را بخانواده ترمه فروش تسلیمت می گوئیم

